



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

۲

نگارہی مقام

فانظر
عَلَيْهِ السَّلَام

مثنیٰ مخزومی استاد حسین انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دارالعرفان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی به مقام حضرت فاطمه علیها السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	سخن ناشر
۱۴	هر موجودی چهار وجود دارد
۱۵	چهار وجود برای قرآن مجید
۲۱	قرآن عینی و حقیقی فقط در وجود انسان کامل
۲۲	فاطمه علیها السلام، از مصادیق واقعی آیات قرآن
۲۶	فاطمه سلام الله علیها بلد طیبه است
۳۰	تعریف جامع و مانع از فاطمه سلام الله علیها
۳۱	فاطمه سلام الله علیها، حبیبه حق است
۳۷	بهار علی علیه السلام کنار فاطمه سلام الله علیها
۳۸	خزان بهار علی علیه السلام
۴۲	درباره مرکز

نگاهی به مقام حضرت فاطمه علیها السلام

مشخصات کتاب

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۲۵-۱-۳۵۰۰۰ ریال

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۸۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به مقام حضرت فاطمه علیها السلام/مؤلف حسین انصاریان؛ ویرایش و تحقیق مرکز علمی دارالعرفان الشیعی.

مشخصات نشر: قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۳۳ص. م. س. ۱۶۷/۵ X

موضوع: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- وعظ

موضوع: فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- فضایل

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۸

رده بندی کنگره: ۱۰/۵/BP۱۰/الف ۸۲ن ۱۳۸۸

سرشناسه: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

شناسه افزوده: انتشارات دارالعرفان

وضعیت فهرست نویسی: فیا

ص: ۱

اشاره

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دست‌یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن

سخنرانی های معظّم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

ص: ۸

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا وطيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه
و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين

هر موجودی چهار وجود دارد

کسانی که در فلسفه الهی و در عرفان مثبت کار کرده و کارگشته شده اند و متخصص فن شناخته شده اند، برای هر موجودی در این عالم، چهار وجود قایلند. آنان برای گفتار و مطلب خود در این بحث، فقط به یک حقیقت مثل می زنند و آن، کتاب خدا قرآن مجید است. البته، آن ها بحث خود را به صورت کلی مطرح نموده و بیشتر آن ها هم مثالی را برای آن ذکر نکرده اند؛ چون فکر

ص: ۹

می کردند چنین مسأله ای، برای همه مردم، مسأله روشن و واضحی باشد.

چهار وجود برای قرآن مجید

قرآن مجید، دارای چهار وجود است؛ یعنی دارای چهار جلوه هستی می باشد.

یک وجود قرآن، وجود کتبی قرآن است که عبارت می باشد از مجموعه سی جزء قرآن که با قلم بر صفحه نوشته می شود؛ همین قرآنی که به فرموده شیخ صدوق، بین دو جلد، در سی جزء، در صد و بیست حزب، در شش هزار و ششصد و چند آیه، در اختیار ماست. این قرآن، با قرآن زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم یک نقطه هم اختلاف ندارد. ترتیب این قرآن همان ترتیب زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می باشد. آیاتش هم بی کم و زیاد، آیات زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است. (۱)

در یک کلمه، اگر این گونه نبود، حجت خدا بر بندگانش کامل نبود و ناقص بود و خدا هم حجت ناقص ندارد. در همه چیز و در هر کجا، حجت پروردگار عالم، کامل، تمام و جامع است. برای این که به قول خود قرآن، تا فردای قیامت، کسی به خداوند نگوید: اگر راهنمایی کرده بودی، و اگر گفته بودی، من عمل می کردم. از کجا معلوم

ص: ۱۰

۱- (۱). شیخ صدوق، اعتقادات، تحقیق عصام عبدالسید، ص.

می شود که من عمل نمی کردم. خود پروردگار می گوید، من این هدایت را کامل و جامع فرستادم که روز قیامت کسی بر خدا حجت نداشته باشد: (لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا). (۱) این وجود وجود کتبی قرآن هست.

وجود دوم قرآن، وجود لفظی است. وجود لفظی قرآن، عبارت است از آیاتی که انسان از روی صفحه کاغذ یا از صفحه ذهنش، بر زبان جاری می کند: (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ). (۲)

همان وقتی که داریم یک خطبه را، یک صفحه کاغذ را، یک (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ) را بر زبان جاری می کنیم؛ یعنی آیه را تلفظ می نمایم و آن را می خوانیم. در این جا، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، به خوانندگان قرآن، یک سفارش بسیار بسیار مهم دارد که خوانندگان قرآن باید این سفارش

ص: ۱۱

۱- (۱). نساء: ۱۶۵.

۲- (۲). بقره: ۱.

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را حتماً عمل کنند. آن سفارش این است که شما باید هنگام خواندن قرآن، (طهروا افواهکم) (۱): با دهان و زبان پاک، قرآن را بخوانید. با دهان یهودی مسلک، با زبان مسیحی مسلک، با زبان لائیک مسلک، با زبان آلوده به حرام، با دهان آلوده به گفته های باطل، یاوه، سب، ناسزا و فحش، قرآن را نخوانید. این قرآن، دارای پاک ترین آیات، پاک ترین کتاب و پاک ترین حکمت است که باید در دهان های پاک جاری بشود؛ یعنی اگر کسی بخواهد قاری مورد قبول خدا باشد، همیشه پاک می ماند؛ دهانش؛ زبانش؛ بدنش؛ جسمش؛ پوستش؛ گوشش. قرآن کریم، حریم علم پروردگار است. ورود به این حریم، باید با پاکی انجام بگیرد: (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) (۲) برخی از مفسران می گویند: فعل: (لَا يَمَسُّهُ)، معنای امری دارد؛ یعنی

ص: ۱۲

۱- (۱). مستدرک الوسائل، محقق نوری، تحقیق مؤسسه آل البيت:، ج ۱، ص.

۲- (۲). واقعه: ۷۹.

کسی که پاک نیست حق ندارد با قرآن تماس بگیرد؛ لذا دیده می شود حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از مرگ پیغمبر، یکبار هم، نه هنگام باز بودن پنجره، و نه با باز کردن پنجره، اگر بسته بود، نخواست که صدای اذان گویان حکومت زمان خودش را بشنود؛ مستمع نشد.

ما یک استماع داریم و یک سماع. یک وقت، صدا به گوش می خورد، ولی آدم اصلاً توجهی به آن صدا ندارد. حتی به صدای الفاظ هم متوجه نیست تا چه برسد به معانی آن ها.

صبح، ظهر و شب، کنار مسجد پیغمبر که خانه حضرت زهرا سلام الله علیها در آن جا بود، اذان می گفتند و ایشان نشنید؛ چون نمی خواست بشنود. در این نود و پنج روز، فقط یکبار به درخواست خودش، بلال اذان گفت که آن هم نیمه کاره ماند؛ چون این زبان، این گلو و این بدن، این روح را صد در صد پاک می دانست. او می گفت: (الله اکبر) از این گلو و زبان، شنیدنی است، ولی نسبت به بقیه (الله اکبر)ها باید در گوش را گرفت و نباید شنید:

زیقیم (۱) در گوش کن تا نشنوم یا درم بگشای تا بیرون روم (۲) وقتی ابلیس به عیسی بن مریم علیه السلام گفت: یک (لا اله الا الله) بگو. گفت: نمی گویم. گفت: مگر این شعار توحید نیست؟ گفت: چرا. گفت: پس چرا نمی گویی. عیسی علیه السلام گفت: برای این که تو می گویی، من نمی گویم؛ چون گفتار تو و درخواست تو، توأم با آلودگی است و هدف ناشایستی از آن داری که وقتی به من می گویی، آن را بگو. من نمی گویم؛ (لا اله الا الله) ای که تو می گویی، با هر آلودگی ای می سازد و این (لا اله الا الله) ای که ما می گوئیم، با هر پاکی ای می سازد.

ص: ۱۴

۱- (۱). زیق؛ یعنی سیماب (فلزی مایع)، جیوه

۲- (۲). سعدی.

این که چه کسی آن را اظهار می نماید، فرق می کند. (۱) به هر حال، این وجود دوم است.

پس یک وجود قرآن، وجود کتبی آن است و یک وجود دیگر آن، وجود لفظی.

امّا وجود سوم قرآن، وجود ذهنی است. حفظ قرآن، گاهی با یک قرآن روی کاغذ است و گاهی با یک قرآن بر روی زبان، و گاهی هم با یک قرآن در حافظه، حافظ قرآن است. آن قرآن هم قرآن است، ولی وجود ذهنی قرآن.

وجود چهارم کتاب خدا، وجود عینی آن است. (عین)؛ یعنی وجود حقیقی؛ به عبارت دیگر؛ یعنی وجودی که همه آثار شیء، از این وجود ظهور می کند.

حالا این پرسش مطرح می شود که وجود عینی قرآن کدامیک از این قرآن های گفته شده است.

ص: ۱۵

این قرآن‌هایی که آن را تلاوت می‌کنیم، قرآن کتبی است. قرآن‌های موجود در ذهن حافظان هم که وجود ذهنی آن است. قرآنی نیز که بر روی زبان جاری می‌شود، قرآن لفظی است. پس آن قرآن عینی کدام است؟

قرآن عینی و حقیقی فقط در وجود انسان کامل

قرآن عینی و قرآن حقیقی را فقط باید در وجود انسان کامل ببینید. ما یک مقدار قرآن حفظ هستیم و قاری قرآن هم می‌باشیم و چند جور هم قرآن چاپی در خانه‌هایمان داریم، اما ما قرآن عینی نیستیم. قرآن عینی فقط در وجود انسان کامل قابل مشاهده است؛ یعنی آن انسانی که از ابتدای ورود به تکلیف یا بندگی خدا تا لحظه خروج از دنیا، در ایمان، اخلاق و عمل از نظر قرآن کم نداشت. این سخن، تعریف قرآن عینی است.

ارزش این قرآن عینی، برای کسی قابل درک نیست؛ علتش هم این است که عقل‌های ما محدود

بوده و دنیا هم محدود است. ما اگر بخواهیم چیزی را عظیم تر از این دنیا ببینیم، این جا نمی توانیم آن را ببینیم؛ چون این جا گنجایش آن را ندارد و ما را باید در یک عالم دیگری ببرند که در آن عالم، حقیقت انسان کامل قابل ظهور باشد و بعد به اولین و آخرین انسان ها بگویند، اگر می خواهی آن انسان کاملی را ببینی که مصداق عینی قرآن بوده، الان آن برای تو قابل دیدن و قابل تماشاست؛ آن هم نه با چشم سر؛ بلکه با چشم عقلی که به عین الله وصل است؛ چون اگر آن چشم قلب هم وصل به چشم خدا نباشد، آن انسان کامل هم با کمالاتش برای تو قابل مشاهده و قابل دیدن نخواهد بود.

فاطمه علیها السلام، از مصادیق واقعی آیات قرآن

حالا- ما باید برای درک این وجود عینی، به سراغ یک انسان کامل یا به تعبیری، قرآن عینی و مصداقی برویم. من برای شما چند آیه قرائت

ص: ۱۷

می‌کنم و بعد طبق خود قرآن و روایات، دنبال مصداق این آیات می‌گردم. خیلی راحت هم این مصداق قابل پیدا کردن است؛ چرا که تاریخ اسلام از زمان بعثت پیغمبر تا الان که ما این جا نشسته ایم، تقریباً به صورت روشن در اختیار ماست و ما در کل امت، یکی از انسان‌های کاملی را که می‌توانیم بگوییم از مصدق واقعی آیات قرآن است، حضرت فاطمه سلام الله علیها است. در این بخش هم قرآن فقط یک مصداق دارد و دو تا مصداق ندارد. شما هیچ دلیلی را هم نمی‌توانید پیدا کنید که در این بخش خاص، قرآن دو مصداق داشته باشد. در این بخش، یک انسان کامل، بیش تر وجود ندارد و بقیه انسان‌ها ما دون این انسان و زیر مجموعه او در کمالات و فضایل هستند و آن، وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها است که در زنان جهانیان، تنها انسان کاملی که مصداق آیات قرآن می‌باشد، اوست. مریم کبری سلام الله علیها، خدیجه کبری سلام الله علیها، زینب کبری سلام الله علیها و هر زنی که در دایره انسان کامل بودن می‌باشد، ما دون ایشان است و او مصداق اتم،

اجمع، اکمل، اکتع (۱) مجموعه آیات قرآن مجید در جنس زنان، بوده و دومی و هم وزن دیگری ندارد.

این مطالبی که می‌گویم، دلیل قرآنی همراه آنان است، نه این که به عنوان یک روحانی شیعه، برای مستمع شیعه، عظمتی را بسازم و القا بکنم. عظمت سازی بدون دلیل قرآنی و روایتی، کار نادرستی است. لطف مسأله، این است که ما از چهارچوب قرآن و روایات برای معرفی این عزیزان بیرون نرفته و از خودمان چیزی را نسازیم؛ چون اگر از چهارچوب قرآن و روایات، آن‌ها را به کنار ببریم، یا درباره آن‌ها دچار افراط می‌شویم یا دچار تفریط؛ چنان که آن‌هایی که دچار تفریط شدند، صدیقۀ طاهره را تا جایی پایین آورده‌اند که در حق او فقط می‌گویند حضرت زهرا سلام الله علیها زنی بزرگوار، همسر علی بن ابی طالب و انسانی پاک است و قابل این است که الگو باشد. این‌ها در جاده تفریطند، و آن‌هایی که مقام سازی می‌کنند، آن هم مقام

ص: ۱۹

الوهیت و ربوبیت برای آن حضرت، آنان نیز در جاده افراطند؛ چرا که قرآن می گوید: (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ). (۱): هیچ چیزی در این عالم، در هیچ چیزی، مانند خدا نیست. بنا براین، بهترین راه شناخت، آیات قرآن و روایاتند که نه افراط دارند و نه تفریط. قرآن کلام عدل است؛ قرآن کلام حق است. البته، آیاتی که مصداق اکتع و اکملش این انسان کامل در جنس زنان است، کم نیست. من برای نمونه چند آیه آن را می خوانم، شاید هم بعضی از این آیات برای تان تازگی داشته باشد. فکر نکنید که می خواهم به سراغ آیه تطهیر و آیه مباحله و آیات سوره دهر بروم که این آیات را صدها بار شنیده اید. آنها در جای خودش معلوم و روشن است؛ بلکه باید درباره این آیه که می گویم و آثارش، دقت کنید.

ص: ۲۰

۱- (۱). شوری: ۱۱.

یک کاری که خداوند متعال برای نزدیک کردن حقایق به ذهن مخاطبش در قرآن کرد، مثل زدن است. در همه زمینه ها، زمینه های علمی، طبیعی، فلسفی، عرفانی، انسانی و اخلاقی، خداوند مثل زده است، همه. این مثل ها در قرآن مجید هست: (وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُصْرِبِهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (۱): ما این مثل ها را برای شناخت شما می زنیم تا شما را به حقیقت نزدیک کنیم و شما راحت تر با مثل به عمق حقیقت برسید.

ببینید این آیه چه می گوید: (وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ ...). (۲) نمی گوید: (وَ الْبَلَدُ). سرزمین خالی را نمی گوید؛ بلکه سرزمین را مقید به کلمه طیب می کند. حالا شما همین لغت طیب را با مشتقاتش در قرآن

ص: ۲۱

۱- ((۱)) ۱. حشر: ۲۱.

۲- ((۲)) ۲. اعراف: ۵۸.

بگیرید: (وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ (۱)، (أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ (۲)، (طَبَّئْتُمْ). (۳) طیب)، این لغت یعنی چه؟ کلمه طیب؛ یعنی پاکِ نابی که هیچ آلودگی با او گره ندارد؛ (طیب) مقابل (خیث) است؛ چون در آیه بعد هم کلمه (خیث) را آورده و رو در روی (طیب) قرار داده است. این رو در روی، در خیلی چیزها هست: نور و ظلمت، حق و باطل، ابلیس و خدا، حرام و حلال، حیات و مرگ. این ها همه با هم تقابل دارند. تقابل دارند، یعنی چه؟ یعنی این که هیچ کدام با یک دیگر هیچ نسبتی ندارند. طیب یک داستانی دارد و خیث هم یک داستانی دیگر؛ هم چنین نور یک داستانی دارد و ظلمت یک داستان دیگر. شما به اندازه یک سر سوزن ظلمت را در نور پیدا نمیکنی. یک سر سوزن نور را هم در ظلمت پیدا نخواهی کرد. اصلاً این دو تا با هم

ص: ۲۲

۱- (۱) ۱. نور: ۲۶.

۲- (۲) ۲. احقاف: ۲۰.

۳- (۳) ۳. زمر: ۷۳.

تقابل دارند؛ نه صفت ابلیس در خدا هست و نه صفت خدا در ابلیس.

(وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ) : زمین پاک، (يَخْرُجُ لِبَاتِهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ) (۱)، خیلی آیه عجیبی است. (طیب)، (اذن رب)، (نبات)؛ یعنی تا دست خدا در بلد طیب در کار نباشد، بلد طیب آثاری را ظهور نمی دهد.

دست خدا وقتی در بلد طیب بیاید، چه دستی است؟ دست قدرت، دست علم، دست رحمت، دست کرامت، دست احسان، دست فضل. این ها دست خداست.

(وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ لِبَاتِهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ) (۲) دربارۀ آیه باز دقت بفرمایید. (بلد) با قید (طیب)، با قید (اذن رب) و (خروج و سر در آوردن آثار این بلد طیب) است، ولی با دست اندرکار بودن دست خدا که همان دست صفات خداست.

ص: ۲۳

۱- (۱) ۱. اعراف: ۵۸.

۲- (۲) ۲. اعراف: ۵۸.

وجود مقدّس حضرت زهرا سلام الله عليها ، بلد طيّب است؛ کسی که در این بلد طيّب دانه پاشید، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بود. دیگر، باغبانی، نمونه او نیست. یک انسان کامل آمد دانه های قرآن را، آیات توحید را ، علم را، معرفت را، اصالت را، شرافت را، اخلاق را، عمل صالح را در این زمین پاشید. او فقط این دانه ها را پاشید. باغبان این دانه ها، ربّ فاطمه سلام الله عليها بود. خداوند متعال با جلوه ربوبیتش، تمام کاشته های پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را از این سرزمین بیرون آورد.

تعریف جامع و مانع از فاطمه سلام الله علیها

پس حالا زهرا سلام الله علیها را با این مقدمه چگونه باید معنا کرد، با این جمله باید تعریف کرد. این جمله را دقت بکنید! این شکل از تعریف را می گویند، جامع افراد و مانع اغیار. این تعریف، یک تعریف منطقی است که یک عالم در این عالم به این تعریف نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها، راه وارد کردن ایراد را اصلاً ندارد. ما به هر کس هم که ایراد بر این تعریف داشته باشد، با قرآن جواب می گوییم، و یا فقط با روایات خودشان. این تعریف، مانع اغیار و جامع افراد است؛ یک تعریف علمی و منطقی: حضرت زهرا سلام الله علیها؛ یعنی انسانی که جامع تمام کمالات ملکی و ملکوتی و فاقد تمام عیب ها و نقص ها. او مصداق عینی این آیه است. شما هر چه حقیقت معنوی در این عالم می بینید، از ایشان ظهور کرده و هر چه نعمت اخروی است، فردای قیامت در کنار ایشان بروز می کند. این را از جهت اخرویش، ساده تر معنا کنم.

که این در روایات ما وارد شده است که دارای معانی عمیقی است که کمتر به آن توجه شده است. در قیامت بنابر روایات اصیل مان، پروردگار عالم به حضرت زهرا سلام الله عليها خطاب می کند: (یا حبیبتی!). (۱)(۲) این عکس آن جمله دعای کمیل است. در دعای کمیل، امیرمؤمنان علیه السلام به خدا می گوید: (حبیب)؛ می گوید: (یا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ!). در قیامت خدا به زهرا سلام الله عليها می گوید: ای حبیبه من. این عکس آن جمله است پیش خدا چه چیزی ارزش دارد؟ این قیافه، این بدن، وزن بدن؟ نخیر، آنچه

ص: ۲۶

۱- (۱) شیخ صدوق، أمالی، تحقیق مؤسسه بعثت، ص ۶۹.

۲- (۲) * بخشی دیگر از متن مورد نظر روایت که امام باقر علیه السلام آن را از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند، چنین است: «قال رسول الله ۶: إذا كان يوم القيامة تقبل ابنتي فاطمة... فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله: يا حبيبتی و ابنه حبيبتی! سلینی تعطی، و اشفعی تشفعی، فوعزتی و جلالی لاجازنی ظلم ظالم. فتقول: إلهی و سیدی! ذریتی و شیعتی و شیعه ذریتی، و محبی و محبی ذریتی. فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله: أين ذریه فاطمه و شیعتها و محبّوها و محبو ذریتها؟ فیقبلون و قد أحاط بهم ملائکة الرحمة، فتقدّمهم فاطمه حتی تدخلهم الجنة.»

پیش پروردگار ارزش دارد، فقط واقعیات وجود انسان است که رنگ بی نهایتش در خودش می باشد؛ چون عبدی را متصل به خودش در صفات، در فعل، در اخلاق می بیند، او می شود محبوب پروردگار: (یا حییتی!) : حییه من! تمام درهای بهشت بر روی تو باز است، از هر دری می خواهی وارد شو. انگار، خدا به زهرا سلام الله علیها می خواهد بگوید، این هشت بهشت ملک تو است. برو دختر با عظمت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم! او به امر الله حرکت می کند. وقتی که بر دم در بهشت است (حالا این دری که می گویم، در اصطلاحی نیست؛ این در، مقام و مرتبه است) وقتی به آن جا می رسد، برمی گردد به طرف محشر و می ایستد.

حیب با محبوبش گفت و گو می کند: دختر پیغمبر! همه درها که اکنون بر روی تو باز است، پس چرا نرفتی؟

حضرت زهرا سلام الله علیها می گوید: خدایا! من دل تنها رفتن به آن جا را ندارم؛ یعنی اگر بروم، خوش نیستم.

خدا می گوید: پس با چه کسی می خواهی بروی؟

می گوید: خدایا! با هر که در دنیا از نظر قلب، عمل و چشم، با ما در ارتباط بوده؛ قلبش محب ما بوده، چشمش گریان برای من و بچه هایم بوده، عملش هم در حد خودش هماهنگ با من بوده است.

خطاب می رسد: من عددی برایت نمی گذارم، هر کسی را می خواهی صدا کن.

آن وقت، میلیون ها نفر با یک ندای ای پیروان ما و محبین ما و گریه کنندگان بر ما! من منتظر شما هستم که با شما به بهشت بروم؛ بیایید! و هم آن ها راه می افتند.

اگر بگویید: پس دادگاه های ما چه می شود؟ می گویم: گریه کن، عاشق و فرد عامل که دادگاه فوق العاده ای ندارند. دادگاهی شدن را هم به شما می بخشند. چون مگر شما آلوده به گناهان کبیره اید

ص: ۲۸

که نگه تان دارند، یا آلوده به ربا، شراب، قمار، ظلم بوده اید، و یا حق را ناحق کرده اید که شما را نگه دارند؟ ما لغزش داریم، اما این لغزش ها کم است؛ همان گونه که امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه متقین در وصف آنان می گوید: (قَلِيلًا ذَلَّلَهُ) (۱)، و اصلاً با رحمت و کرم خدا سازگار نیست که برای یک لغزش کم بگویند، فرد را نگهش دارید؛ زنجیرش کنید؛ برایش دادگاه تشکیل بدهید. در دنیا دادگاه ها این کار را نمی کنند؛ به طرفین دعوا می گویند، بروید از هم بگذرید، آن وقت خدا برای لغزش کم، سختگیری می کند؟!!

فقط گریه خالی مُجَبِّی، عاملی و گریه کننده ای، خارِ لغزش ها را می سوزاند و خاکستر می کند.

آن وقت همه راه می افتند. وقتی همه نزدیک بهشت آمدند، فاطمه زهرا سلام الله علیها می گوید، شما وارد شوید، من تا نفر آخرتان در بهشت نرود، خودم نمی آیم؛ یعنی شما در بهشت مهمانِ آثارِ آنها می

ص: ۲۹

۱- ((۱)) ۱. نهج البلاغه، ص ۱۹۹، خطبه حضرت در وصف متقین و مؤمنان.

هستید که در وجودتان ظهور کرده؛ یعنی هر کس از این امت در بهشت برود، سر سفره علی، فاطمه، حسن و حسین:نشسته است، نگویید متعلق به خودم است. اگر آن ها نبودند، ما نه به خدا راه داشتیم، نه به بهشت. این هشت رکعت نمازی را هم که امروز به ما اجازه دادند بخوانیم والله قسم، به خاطر گل روی فاطمه سلام الله علیها به ما اجازه دادند، ما خواندیم. این نماز ما هم متعلق به گل روی زهرا سلام الله علیها بود. آن روزه ماه رمضان ما هم متعلق به اهل بیت: است. آن حج ما هم متعلق به اهل بیت: است. این اشک چشمان ما هم متعلق به اهل بیت: است. ما چیزی از خودمان نداریم، آن ها را در دنیا به ما کریمانه می پردازند و فردای قیامت هم به صورت بهشت همین پرداخت ها ظهور می کند.

آنچه گفته شد، معنای بلد طیب بود: (وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ لِبَاتِهِ يَأْذَنُ رَبِّهِ). (۱) باغبانی مثل خاتم

ص: ۳۰

انبیاء صلی الله علیه و آله وسلم دانه های ملکوتی را به صورت قرآن در زهرا سلام الله علیها قرار داد. خداوند این دانه ها را با علم، رحمت، کرم، لطف، فضل و احسانش شکافت. چه گل هایی، و چه محصولاتی، از شکافته شدن این دانه ها به وجود آمد. تمام نمازهای زهرا سلام الله علیها و روزه های زهرا سلام الله علیها همین: (يَخْرُجُ لِبَاتِهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ). (۱) بود. نبات ها و رویدنی ها گوناگون بود و یکی از رویدنی های وجود این بلد طیب، حسن، حسین و زینب کبری: است. این ها درخت این زمینند. آن جا هم خدا باز مثل می زند: (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ). (۲)

برای این که قوت بین دو زمین پاک را بتوانید اندازه بگیرید، باز باید به قرآن مراجعه کنید. حضرت مریم سلام الله علیها هم بلد طیب بود. فقط یک

ص: ۳۱

۱- (۱) ۱. اعراف: ۵۸.

۲- (۲) ۲. ابراهیم: ۲۴.

عیسی علیه السلام از او به وجود آمد. عیسی علیه السلام هم هیچ فرزندی از او به وجود نیامد و در سنّ سی و سه سالگی، او را به آسمان ها بردند. اما از زهرا سلام الله علیها، نه امام معصوم به وجود آمد. قوت زمین و قدرت زمین را ببین!

بهار علی علیه السلام کنار فاطمه سلام الله علیها

اما این زمین را خداوند متعال کنار بهاری مثل امیرمؤمنان علیه السلام قرار داد. چرا من از امیرمؤمنان علیه السلام تعبیر به بهار کردم؟ همین امروز مفاتیح را بخوانید. در آخرش یک سلسله دعا است. سر صفحه، به خط درشت نوشته است: دعا و زیارت ولی عصر(عج). در زیارت های امام زمان(عج)، یک جمله اش این است: (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبِيعَ الْأَنْامِ!) (۱): درود بر تو ای بهار انسان ها. امام زمان(عج) بالاتر است یا امیرمؤمنان علیه السلام؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می گوید:

ص: ۳۲

امیرمؤمنان علیه السلام، برتر از فرزندانش است. حتی برتر از حسن و حسین علیه السلام: (أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا). (۱) علی علیه السلام، امام حسن بن علی و حسین بن علی علیه السلام، و حسن و حسین علیه السلام، مأمومِ امیرمؤمنان علیه السلام هستند. وقتی امام زمان (عج) بهار انسان ها باشد، البته، این بهار بودنش را از علی علیه السلام گرفته است.

خزان بهار علی علیه السلام

خدا بهاری مثل علی علیه السلام را کنار زهرا سلام الله علیها قرار داد و از نسیم این بهار است که نه امام از این سرزمین سر بر آوردند و دنیا و آخرت را هر کدامشان به تنهایی روشن کردند. وقتی امام زین العابدین علیه السلام گلوی بریده پدر بزرگوارش را روی خاک گذاشت، فرمود: (ابْنَا! أَمَا الدُّنْيَا، فَبَعْدُ كَ مُظْلَمَةٍ؛ فَأَمَّا الْآخِرَةُ، فَبِنُورِ وَجْهِكَ مُشْرِقَةٌ). هر یک از

ص: ۳۳

امامان، مُشْرِقِ آخِرْتَنَد و جَدَا كَرْدَنَشَان از زَنَدِگِی، مُظْلِمِ زَنَدِگِی هَر انْسان جَدَاشونْدَه ای اسْت.

بهار فصل خیلی زیبایی است، هوای خیلی زیبایی دارد، نسیمش حیات بخش است، بهار برای تمامی اهل دنیا زیباترین و با نشاطترین و صفابخش ترین زمان است. هیچ بهاری در عالم، بهار وجود علی علیه السلام نیست، و به دلیل قرآن، با شهادت زهرا سلام الله علیها این بهار خزان شد. تمام گل های این بهار پرپر شد، تمام گل ها؛ چون گفتیم زهرا سلام الله علیها انسان کاملی است و به دلیل آیات و روایات، تعریف منطقی برای او آوردیم؛ جامع همه کمالات و فاقد همه عیب ها. پس می شود گفت، امروز همه گل های حیات علی علیه السلام ریخت؛ تمام شاخه های سبز آن، خشک شد. به این خاطر، او به کنار بدنش برگشت

و گفت: (لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ...)^(۱) زندگی دنیوی زهرا سلام الله عليها دیگر تمام شد؛ دیگر کسی علی علیه السلام را سر حال نخواهد دید. در نهج البلاغه است و سید رضی آن را نقل کرده که علی علیه السلام رو به قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت: من زهرا سلام الله عليها را دفن کردم، ولی یا رسول الله! تا شب نوزد رضانی که شمشیر را بر فرق من بزند و تا آن زمان، سی سال طول می کشد، من با این که امام معصوم، همیشه اندوهگین هستم، و دیگر، شب بی گریه ای برایم نخواهد بود، و من در تمام عمرم، مقداری از شیم را بیدار می مانم و گریه می کنم.^(۲) در این جا، به سبک روضه خوان های قدیم می خواهم چند بیت شعر بخوانم. حضرت علی علیه السلام به

ص: ۳۵

۱- (۱) ۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۲، ص ۲۱۳.

۲- (۲) ۱. نهج البلاغه، ص ۲۳۸، کلام ۱۹۳.

مردم مدینه نگفت که برای زهرا سلام الله علیها گریه کنید. آن‌ها ارزش آن را نداشتند و گریه‌هایشان هم نجس بود، بلکه خود کنار قبر، رو به آسمان‌ها کرد و گفت:

بر احوالم بیار ای ابر! اشک از آسمان امشب

که من با دست خود کردم گلم در گل نهان امشب

حسن گریان، حسین نالان، پریشان زینبین از غم

چه سان آرام بنمایم من این بی مادران امشب

زمین! با پیکر رنجیده زهرا مدارا کن

که این پهلو شکسته بر تو باشد میهمان امشب.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

